

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعدیل قرارداد در آئینه فقه و حقوق ایران

مؤلفان:

میثم محمدی

استاد دانشگاه و پژوهشگر فقه و حقوق

دکتر مرتضی چیت ساریان

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مطهری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: محمدی، میثم، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدیدآور	: تعدیل قرارداد در آئینه فقه و حقوق ایران/ میثم محمدی، مرتضی چیت‌سازیان
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۷۰-۸-
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۸۲ - ۱۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: قراردادها -- ایران -- اصلاح
موضوع	: Contracts -- Iran -- Modification*
موضوع	: عقود و ایقاعات (فقه)
موضوع	: Contracts (Islamic law)
موضوع	: تعهدات (حقوق) -- ایران
موضوع	: Obligations (Law) -- Iran
موضوع	: تعهدات (فقه)
موضوع	: Obligations (Islamic law)
شناسه افزوده	: چیت‌سازیان، مرتضی، ۱۳۴۱ -
رده بندی کنگره	: KMH۸۲۷
رده بندی دیویی	: ۳۴۶/۵۵۰۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۵۸۳۸۹
وضعیت رکورد	: فیپا

نام کتاب	: تعدیل قرارداد در آئینه فقه و حقوق ایران
ناشر	: چتر دانش
مؤلفان	: میثم محمدی - مرتضی چیت‌سازیان
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۳۹۹
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۴۷۰-۸-
قیمت	: ۹۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم

یا رب دل ما را تو به رحمت جان ده درد همه را به صبری درمان ده
این بنده چه داند که چه می باید جست داننده تویی هر آنچه دانی آن ده
سلام و درود بر نبی مکرم اسلام، حضرت محمد (ص)
که انگیزه خلقت است و آئینه ذات
و صلوات بر خاندان پاک و مطهرش
که وجودمان و امدار وجودشان است
ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام‌بخش
آلام زمینی‌ام است
به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پرمهر پدرانمان
به سبزترین نگاه زندگی‌ام، چشمان سبز مادرانمان
که هر چه آموخته‌ام در مکتب عشق شما آموختم و هر چه بکوشم قطره‌ای
از دریای بیکران مهربانی‌تان را سپاس نتوانم بگویم.
امروز هستی‌ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشت‌م رضای شما
ره‌آوردی گران‌سنگ‌تر از این ارزان نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم، باشد
که حاصل تلاشم نسیم گونه غبار خستگی‌تان را بزداید.
بوسه بر دستان پرمهرتان

فهرست

فصل اول: مفاهیم و کلیات ۱۱

- بخش اول: پیشینه و مفهوم تعدیل قرارداد و واژه‌های مرتبط با آن ۱۳
- مبحث اول: پیشینه تعدیل قرارداد در فقه ۱۳
- مبحث دوم: مفهوم تعدیل ۱۴
- گفتار اول: معنای لغوی تعدیل ۱۵
- گفتار دوم: معنای اصطلاحی تعدیل ۱۷
- مبحث سوم: قرارداد و مفاهیم مرتبط با آن ۱۸
- مبحث چهارم: تعریف تعدیل قرارداد ۲۳
- مبحث پنجم: تئوری عدم پیش‌بینی ۲۴
- گفتار اول: مفهوم و ماهیت حقوقی تئوری عدم پیش‌بینی ۲۴
- گفتار دوم: شرایط لازم برای اعمال تئوری عدم پیش‌بینی ۳۳
- گفتار سوم: آثار تئوری عدم پیش‌بینی ۳۴
- بخش دوم: اقسام تعدیل قرارداد ۳۶
- مبحث اول: تعدیل قراردادی ۳۶
- انواع راه‌های تعدیل قرارداد ۳۷
- گفتار اول: پیش‌بینی تعدیل به هنگام انعقاد قرارداد ۳۷
- گفتار دوم: پیش‌بینی تعدیل در حین انعقاد قرارداد ۴۵
- مبحث دوم: تعدیل قانونی ۵۳
- گفتار اول: تعدیل مستقیم توسط قانون ۵۵
- گفتار دوم: تعدیل قرارداد به حکم قانون توسط قاضی ۵۶
- مبحث سوم: مفهوم تعدیل قضایی و نسبت آن با اصل آزادی اراده در قراردادها ۵۹
- گفتار اول: مفهوم تعدیل قضایی ۵۹
- گفتار دوم: نسبت اصل آزادی قراردادی با تعدیل قضایی ۶۱
- گفتار سوم: عوامل محدودکننده اصل آزادی قراردادی و جایگاه تعدیل در آن ۶۴
- بخش سوم: ماهیت حقوقی تعدیل قرارداد ۶۸
- مبحث اول: تعدیل قرارداد به‌عنوان یکی از استثنائات قاعده لزوم قراردادها ۶۸
- مبحث دوم: تعدیل قرارداد به‌عنوان یکی از آثار عقد ۶۹

- ۶۹.....مبحث سوم: تعدیل قرارداد به‌عنوان نوعی اداره عقد.....
- ۷۰.....مبحث چهارم: تعدیل قرارداد به‌عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت.....
- ۷۰.....مبحث پنجم: موارد قریب به تعدیل قرارداد.....
- ۷۱.....گفتار اول: احتکار.....
- ۷۳.....گفتار دوم: ربا.....
- ۳۷.....گفتار سوم: «قیمت‌شکنی یا ارزان‌فروشی موقت».....

۷۷ فصل دوم: مبانی فقهی تعدیل قرارداد

- ۷۹.....بخش اول: قاعده لا ضرر.....
- ۷۹.....مبحث اول: مدارک و مستندات قاعده.....
- ۷۹.....گفتار اول: کتاب.....
- ۸۲.....گفتار دوم: سنت.....
- ۸۳.....گفتار سوم: اجماع.....
- ۸۴.....گفتار چهارم: عقل.....
- ۸۴.....مبحث دوم: معنا و مفهوم ضرر و ضرار.....
- ۸۴.....گفتار اول: معنای ضرر و ضرار.....
- ۸۶.....گفتار دوم: مفهوم لا ضرر.....
- ۸۷.....مبحث سوم: پذیرش حاکمیت قاعده لا ضرر از دیدگاه قانون مدنی.....
- ۸۹.....بخش دوم: قاعده عسر و حرج.....
- ۸۹.....مبحث اول: مفهوم عسر و حرج.....
- ۸۹.....گفتار اول: مفهوم عسر.....
- ۹۰.....گفتار دوم: مفهوم حرج.....
- ۹۱.....مبحث دوم: انواع حرج.....
- ۹۳.....مبحث سوم: مستندات و مبانی قاعده نفی عسر و حرج.....
- ۹۳.....گفتار اول: کتاب.....
- ۹۵.....گفتار دوم: سنت.....
- ۱۰۳.....گفتار سوم: اجماع.....
- ۱۰۴.....گفتار چهارم: عقل.....

- گفتار پنجم: قیاس ۱۰۶
- مبحث چهارم: شرایط استناد به قاعده نفی عسر و حرج ۱۱۳
- مبحث پنجم: نفی عسر و حرج در قوانین ایران ۱۱۵
- بخش سوم: نظریه غبن حادث ۱۱۸
- مبحث اول: مفهوم غبن حادث ۱۱۸
- مبحث دوم: مبنای خیار غبن در فقه ۱۱۹
- مبحث سوم: شرایط استناد به غبن حادث ۱۲۲
- مبحث چهارم: ضمانت اجرای غبن حادث ۱۲۵
- بخش چهارم: نظریه شرط ضمنی ۱۲۷
- مبحث اول: تبیین نظریه شرط ضمنی ۱۲۷
- مبحث دوم: مبنای نظریه شرط ضمنی ۱۲۸
- مبحث سوم: نقد دیدگاه نظریه شرط ضمنی و پاسخ به آن ۱۳۲
- مبحث چهارم: دیدگاه طرفداران نظریه شرط ضمنی ۱۳۴
- مبحث پنجم: شرط ضمنی در فقه ۱۳۵
- مبحث ششم: ضمانت اجرای نظریه شرط ضمنی ۱۳۸

فصل سوم: مبانی حقوقی، قلمرو، شرایط و آثار تعدیل قرارداد ۱۴۵

- بخش اول: مبانی حقوقی تعدیل قرارداد ۱۴۶
- مبحث دوم: نظریه سوءاستفاده از حق ۱۵۳
- مبحث سوم: نظریه رفتار خلاف حسن نیت ۱۵۶
- مبحث چهارم: نظریه علت ۱۵۹
- بخش دوم: قلمرو شمول تعدیل قرارداد ۱۶۲
- بخش سوم: شرایط استناد به نظریه تعدیل قرارداد ۱۶۵
- مبحث اول: غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه ۱۶۵
- مبحث دوم: اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه ۱۶۷
- مبحث سوم: عدم قابلیت انتساب حادثه به طرف‌های عقد ۱۶۸
- مبحث چهارم: دگرگونی اساسی اقتصادی در قرارداد ۱۶۹
- بخش چهارم: ضمانت اجرای تعدیل قرارداد ۱۷۲

١٧٣مبحث اول: تعديل تعهدات قرارداد
١٧٤مبحث دوم: فسخ (انحلال) قرارداد
١٨٢ فهرست منابع

مقدمه

قرارداد به‌عنوان قانون طرفین آن می‌باشد ولی امروزه پیشرفت و تکامل بشری در زمینه‌های تکنولوژی، علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، روابط حقوقی حاکم بر روابط انسان‌ها را متحول ساخته است و در این زمینه نهادهای حقوقی جدیدی به وجود آمده‌اند معاملات و تجارت الکترونیکی پا به عرصه وجود گذاشته و انسان‌ها از این طریق از یک طرف دنیا با طرف دیگر قرارداد، با همدیگر مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نمایند و روزانه میلیاردها دلار سرمایه و ثروت به همین ترتیب در جهان مبادله می‌شود.

در این زمینه علم حقوق نیز نباید از قافله پیشرفت‌های مادی بشری عقب بماند بلکه باید با سایر پیشرفت‌های انسان حرکت نموده و با ارائه راه‌حل‌های نو، نیازها و مشکلات حقوقی جامعه بشری را مرتفع سازد.

اصولاً بحث از تعدیل قرارداد زمانی معنا دارد که تعادل و توازن میان تعهدات مقابل مخدوش شده باشد. طبیعی است که تصور چنین وضعیتی در قرارداد که میان انعقاد و تکمیل اثر آن فاصله‌ای نباشد، یا فاصله‌ی زمانی اندکی باشد، بسیار بعید است، درحالی‌که قراردادهای مستمر، همیشه آستن رویارویی با حوادثی هستند که می‌توانند تعادل تعهدات طرفین را مختل سازند. پس طبیعی است که هرگاه تعداد قراردادهای با اجرای طولانی‌مدت افزایش یابد، ضرورت بررسی تعدیل قرارداد نیز بیشتر شود. این در حالی است که امروزه بسیاری از قراردادهای مهم بین‌المللی یا ملی، همچون پروژه‌های بزرگ عمرانی و صنعتی و کشاورزی از این عقود می‌باشند و هرچه زمان می‌گذرد بر تعداد این قراردادها افزوده می‌شود. از سوی دیگر، هر چه عوامل خارجی تأثیرگذار بر قراردادهای مستمر بیشتر باشد، قراردادهای موضوع بحث آسیب‌پذیرتر بوده، در نتیجه، نیاز به بحث از بازبینی آن‌ها بیشتر احساس خواهد شد. نگاهی به وضعیت موجود نشان می‌دهد که هیچ‌گاه در گذشته عوامل خارجی تا این حد در قراردادهای خصوصی اشخاص تأثیر نداشته است. به‌علاوه، تأثیرات عمیق تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و... دولتمردان کشورها بر قراردادهای خصوصی نیز غیرقابل‌انکار بوده و روزبه‌روز در حال افزایش است.

آنچه بیان شد حکایت از اهمیت بحث تعدیل قرارداد دارد. لذا این نوشتار به بررسی تطبیقی و مقارن تعدیل قراردادها در فقه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت و حقوق ایران می پردازد. این کتاب می تواند منبع فرعی و کمکی حقوق مدنی برای رشته فقه و حقوق و حقوق مدنی برای رشته حقوق باشد.

تهران ۱۳۹۹

میثم محمدی

(استاد دانشگاه و پژوهشگر فقه و حقوق)

فصل اول: مفاهيم و کلیات

بخش اول: پیشینه و مفهوم تعدیل قرارداد و واژه‌های مرتبط با آن

مبحث اول: پیشینه تعدیل قرارداد در فقه

در فقه امامیه و اهل سنت، نظریه تعدیل قرارداد از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و فقها اهتمام ویژه‌ای نسبت به آن دارند. بر همین مبنا خداوند متعال در آیه ۲۸۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ و اگر (بدهکارتان) تنگدست باشد، پس تا (هنگام) گشایش، مهلتی (به او دهید)؛ و (اگر به‌راستی قدرت پرداخت ندارد)، بخشیدن آن برای شما بهتر است-اگر بدانید».

خداوند متعال در این آیه برای نکته تأکید دارند که اگر انجام تعهد بر شخص مشکل گردد، مهلتی برای او در نظر گرفته شود تا امکان آن را بیابید تا اینکه بتواند دین خود را ادا کند.

«در این زمینه در فقه اهل سنت مطالبی راجع به پذیرش نظریه عدم پیش‌بینی وجود دارد، چنانکه مطابق مذهب حنفی اجاره به علت عذر منفسخ می‌شود، زیرا اگر عقد در این صورت نیز الزام‌آور تلقی شود دارنده‌ی عذر ضرری را متحمل خواهد شد که بر اساس عقد به آن رضایت نداده است. بنابراین، امکان فسخ برای چنین شخصی، در حقیقت راهی برای جلوگیری از ضرر است»^۱.

۱- السنه‌وری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، بیروت، ۱۹۹۸ م، ص ۷۰۸.

در امر تعدیل قرارداد، در مباحث فقهی شیعه نیز این امر مورد اهمیت بوده و هم‌چنین به مواردی نیز اشاره شده است. به‌عنوان مثال یک نفر در مقابل دریافت اجرت، تعهد به کندن چاهی کرده است، اما پس از کندن مقداری، به علت مواجه شدن متعهد با لایه‌ای سفت همچون سنگ، آیا در چنین وضعیتی متعهد می‌تواند به‌قاعده عُسر و حَرَج استناد کرده و از انجام تعهد خود شانه خالی کند؟ برخی از فقها از جمله صاحب جواهر و محقق بحرانی در این زمینه عقیده دارند که بله می‌توان درزمینهٔ مربوط به‌عین مستأجره، مصادیق مشابهی بر مثال‌های ذکرشده در فقه امامیه آورد.

«به‌عنوان مثال اگر شخصی، زمینی را در مقابل مبلغ معینی اجاره کرده باشد و سپس آب زمین بسیار کم شود و این امر باعث ضرر مستأجر گردد، آیا شخص مستأجر حق فسخ دارد؟

در این زمینه ظاهر ادله و فتاوی علما این است که بلی، و خلافی در این نظر نیست و این امر مقتضای نفی ضرر و حرج است»^۱.
اصطلاح تعدیل در فقه اسلامی دارای پیشینه‌ای بوده که از می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱- «اینکه در عبادات، حنفیه تعدیل ارکان را مطرح کرده‌اند، که به معنای بی‌حرکت بودن اعضاء و جوارح بدن در رکوع و سجود و دیگر افعال نماز است و مترادف با طمأنینه می‌باشد»^۲.

مبحث دوم: مفهوم تعدیل

در این مبحث ابتدا به تعاریف لغوی هر یک از واژه‌های تعدیل، قرارداد، عقد، معامله، عهد پرداخته شده و در آخر مبحث تعریفی از تعدیل قرارداد ارائه داده‌ایم. سپس معانی مختلف هر یک از واژه‌های مذکور را از لغت‌نامه‌های فارسی و عربی بیان کرده‌ایم تا در این زمینه ابهامی نباشد.

۱- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد، جامع الشتات، ج ۳، مؤسسه کیهان، ۱۳۷۱، ص ۵۱۲.

۲- عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۱، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۸۳.

گفتار اول: معنای لغوی تعدیل

تعدیل مصدر باب تفعیل و از ریشه «عدل» می‌باشد.^۱ تعدیل در لغت به معنی برابری و صحت و عدالت است.^۲ برخی از علمای لغت آن را به معنی برابر کردن و سامان دادن و هم‌وزن کردن دو چیز با یکدیگر نیز می‌دانند.^۳

«تعدیل در لغت به معنای برابر کردن چیزی با چیزی و راست کردن آن است».^۴ «تعدیل در لغت از ریشه عدل بوده و به معنای راست کردن، صاف و راست بودن، برابر کردن، هم‌وزن کردن، دو چیز را باهم مساوی کردن، دادگری کردن و برپا کردن عدالت می‌باشد».^۵ «تعدیل در معنایی دیگر، برابر کردن و از روی عدالت چیزی را تقسیم کردن به‌کاررفته است. در فارسی امروزی، کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی را گویند، مثلاً فلان کس نظر خود را تعدیل کرد یا اینکه فلان کس رفتار خود را اصلاح کرد. هم‌چنین تعدیل به یک معنا هم برای تعدیل در ارکان است و در اصطلاح فقه، به آهستگی، راست و درست ادا کردن رکوع و سجود و ... می‌باشد».^۶ «وعده‌ای آن را معتدل و تقسیم کردن از روی عدالت معنی نموده‌اند».^۷

«تعدیل در لغت از ریشه عدل و به معنای انصاف دادن و قضاوت عادلانه کردن، میزان کردن، تعدیل کردن و مناسب گردانیدن به‌کاررفته است، و هم‌چنین در معنایی دیگر به تخفیف جرائم نیز به‌کاررفته است، و پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرموده‌اند: **و بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ**: با موازنه و برابری، اجزاء عالم آسمان‌ها و زمین ایستاده‌اند».^۸ «تعدیل در لغت به یک معنا به عدالت و انصاف و مساوات، و در یک معنا هم به استواری و استقامت و در معنایی دیگر به تعدیل

۱- الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۳۹۶.

۲- نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، چاپ انتشارات مروی، جلد دوم، ص ۹۰۴.

۳- الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، انتشارات هجرت، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۳۹۶.

۴- مصباح المنیر، احمد بن محمد، ۳۹۶؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۷۳؛ اقرب الموارد، ج ۲، ص ۷۵۳.

۵- بندر ریگی، محمد، فرهنگ بندر ریگی، ج ۲، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸۰.

۶- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۸۰۳.

۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۳، جلد ۱، ص ۱۰۹۸ و ۱۰۹۹.

۸- سیاح، احمد، لغت‌نامه یا فرهنگ بزرگ جامع نوین، ج ۲، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۶۵، ص ۱۰۱۸-۱۰۱۷.

کردن و مورد تجدیدنظر قرار دادن، و در یک معنا هم به منصف بودن و منصفانه قضاوت کردن به کاررفته است.^۱ «تعدیل از ریشه عدل و به معنای اصلاح کردن، تغییر دادن، تعدیل کردن، تعویض کردن و تبدیل کردن به کار می‌رود».^۲

«از نظر عده‌ای واژه تعدیل دارای مفهومی مخالف با ستم است و آن را امری میان افراط و تفریط می‌دانند».^۳ بنابراین تعدیل معنایی موافق برابری و مساوات دارد زیرا برابری و مساوات امری است که هرگونه افراط و تفریط را نفی کرده و فرد را به میانه رهنمون می‌سازد، از این رو ستم را به شکلی مستقیم نفی کرده و آنچه را که مقتضی برابری واقعی میان طرفین است را حاکم می‌سازد.

«بر همین اساس شخص عادل را کسی دانسته‌اند که مردم از گفتار و آراء او خشنود باشند».^۴ «برخی نیز به این امر اشاره کرده‌اند که واژه عدل معانی متقابل و متضادی دارد که یکی از معانی آن دلالت بر تساوی دارد و معنی دیگر دلالت بر کجی و ناراستی».^۵

براین اساس واژه عدل مشترک لفظی در میان دو معناست که آن دو معنا دقیقاً در مقابل هم هستند، زیرا عدالت در معنای مورد نظر در این رساله فارغ از هرگونه کجی و ناراستی است و انحرافی به چپ و راست خود ندارد، اما در برخی موارد نیز معنای مخالف از آن استنباط می‌شود، به عنوان مثال در مورد عقد وکالت و اختیارات وکیل چنین آمده است که: «الوکیل متصرف بالاذن، فإذا عدل عن المأذون فيه، كان فضولياً: وکیل به واسطه اذن می‌تواند تصرف کند اما اگر زمانی از اذن پا را فراتر گذارد (عدول کرد) فضولی می‌شود».

«تعدیل از یک نظر گواهی بر عدالت دادن کسی است. گواه مذکور را شاهد

۱- البعلبکی، روحی، المورد، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۷۱۶.

۲- میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر، قم، للطباعة و النشر دار الإعتصام، ۱۳۷۷، ش. ص ۴۲۴.

۳- الحسینی الزبیدی، سیدمحمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی شیری، اول، بیروت، دارالطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۴۸۱.

۴- الفراهیدی، الخلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۲، المخزومی، مهدی، السامرائی، ابراهیم، بی‌جا، دار و مکتبه الهلال، ۱۷۵-۱۰۰ ه.ق، ص ۳۸.

۵- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۲۴۶.

تعدیل و شاهد تزکیه گویند. این واژه در برابر «جرح» بکار می‌رود.^۱

«و برخی دیگر از لغت دانان نیز در تعریف تعدیل، معانی‌ای را آورده‌اند که بیشتر متناسب با معانی فقهی آن است و گفته‌اند:

تعدیل قسمت کردن چیزی به اعتبار قیمت یا منفعت است نه به اعتبار مقدار، پس در این صورت جایز است که دادن کمترین جزء نیز تعدیل نامیده شود. و هم‌چنین عدل، به برقراری تعادل در وزن و مقدار نیز اطلاق می‌شود.^۲ «عده‌ای از اهل لغت، عدل را به معنای قوام دادن به یک شیء دانسته‌اند».^۳

قوام دادن به یک‌چیز مستلزم این است که آن چیز منسجم و به‌گونه‌ای درخور متشکل شود. بنابراین تعدیل در مباحث معاملات به این معنا می‌شود که معامله‌ای که به علت اختلاف ارزش عوضین به وجود آمده است و در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد در این حالت تعدیل آن باعث می‌شود که قوامی دوباره به این معامله بیاید.

گفتار دوم: معنای اصطلاحی تعدیل

«تعدیل قرارداد، تقسیم مال مشترک به سهام مساوی از حیث قیمت می‌باشد که به معنای تعدیل سهام هم است و نیز به معنای تجدیدنظر و اصلاح در مواردی است که توازن عوضین به‌هم‌خورده باشد».^۴

«قانون مدنی نیز در ماده ۵۹۸ به اصطلاح تعدیل اشاره کرده است و تعدیل را یکی از شیوه‌های تقسیم مال مشترک بین شرکا دانسته است که تعدیل مذکور مورد بحث نیست».^۵

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸۱.

۲- الفیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، المصباح المنیر، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه دار الهمجره، ۱۴۲۵ ه، ص ۳۹۶.

۳- علامه ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه، ص ۸۴.

۴- انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۱، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۶، ص ۷۰۳.

۵- ماده ۵۹۸ قانون مدنی: (ترتیب تقسیم آن است که اگر مال مشترک مثلی باشد به نسبت سهام شرکا افراز می‌شود و اگر قیمی باشد برحسب قیمت تعدیل می‌شود و بعد از افراز یا تعدیل در صورت عدم تراضی بین شرکا

مبحث سوم: قرارداد و مفاهیم مرتبط با آن

«در این زمینه بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که کلمه «عقد» ویژه عقود است که در قانون نام اخص دارد و شرایط و آثار آن جداگانه معنی شده است مانند عقد بیع، اجاره، رهن و ضمان»^۱.

«عقد در لغت و در زبان عربی به معنای گره بستن، ربط دادن، پیوند دادن، استوار داشتن، ایلام، و احکام میان دو چیز است، چنانکه از گره زدن دو طناب به «عقد الحبل» و به بستن آهنگ و قصد، «عقد نیت» و نیز از بسته شدن سوگند، به «عقد الیمین» تعبیر می‌شود»^۲.

«عقد به یک معنا آن است که نقیض حلّ است، و همچنین در انواع عقود من جمله در بیوعات نیز استعمال می‌شود، و نیز در تصمیم و اعتقاد جازم و قطعی نیز استعمال می‌شود»^۳.

«اهل لغت برای عقد چند معنی به شرح زیر ذکر می‌کنند:

۱- گره زدن، مانند وصل کردن دو سر طناب به یکدیگر با گره.

۲- بستن.

۳- یافتن.

۴- محکم کردن.

۵- تضمین کردن.

۶- طاق زدن بنا و اتاق.

۷- تأکید و قطعی کردن یمین، آیه‌ی: «بِمَا عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ: به سوگندهایی که از روی اراده می‌خورید [و می‌شکنید]»^۴. بنا بر قرائت به تخفیف، به همین معنی است.

ححص آن‌ها به قرعه معین می‌گردد).

۱- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، چاپ ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۷.

۲- انصاری، مسعود، طاهری، محمدعلی، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲، تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷۳-۱۳۷۲.

۳- الحسینی الزبیدی، سیدمحمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ترجمه ابراهیم التوزی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۰، م، ص ۳۹۴.

۴- سوره مائده، آیه ۸۹.

۸- توافق یک یا چند نفر با یک یا چند نفر دیگر بر امری که هر یک از دو طرف در مقابل دیگری، چیزی را متعهد و ملتزم گردد. که در این زمینه آیهی «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای خود [وفا کنید]»^۱ به همین معنی است و این معنی بامعنای اصطلاحی آن سازگار است»^۲.

«مرحوم طبرسی درباره‌ی واژه عقد می‌فرماید:

عقود جمع عقد است به معنای مقعود، و آن عبارت است از محکم‌ترین عهد و پیمان، و فرق میان عقد و عهد در این است که عقد معنای محکم کردن و بستن دارد، و عقدی نیست مگر میان دو طرف (متعاقدين)، ولی عهد ممکن است توسط یک نفر انجام شود، پس هر عقدی عهد است، اما هر عهدی عقد نیست، و در اصل گره زدن چیزی است به چیز دیگر، که همان وصل کردن این دو است به یکدیگر، همان‌گونه که طناب گره می‌خورد و نیز گفته می‌شود: «أَعْقَدُ الْعَسَلَ: یعنی عسل را سفت می‌نمایم»^۳.

نظر اهل سنت در تعریف عقد:

«اهل سنت در این مورد با یکدیگر اختلاف دارند، همان‌گونه که در کتاب الفقه الإسلامی و ادلته دکتر وهبه زحیلی آمده است: نزد فقهای شافعی، مالکی و حنبلی، هر نوع عزم و تصمیمی جهت انشاء امری که توسط شخصی گرفته شود، عقد نامیده می‌شود، خواه تنها از یک اراده صادر شده باشد مانند وقف، ابراء، طلاق و یمین ریا، یا اینکه در انشاء آن، به دو اراده نیاز باشد، مانند بیع، اجاره، وکالت و رهن»^۴.

«عقد در اصطلاح عبارت است از: توافق یک یا چند نفر با یک یا چند نفر دیگر بر امری که هر یک از این دو طرف در مقابل دیگری چیزی را متعهد و ملتزم می‌گردد»^۵. «عقد با فتح فاء الفعل و سکون عین الفعل، به معنی ضمان و

۱- سوره مائده، آیه ۱.

۲- امام، سید محمد رضا، بررسی تطبیقی عقود، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۷-۱۶.

۳- همان، ص ۱۷.

۴- همان، ص ۲۳؛ زحیلی، وهبه، الفقه الإسلامی و ادلته، ج ۴، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۸ هـ، ص ۸۰.

۵- همان، ص ۱۸-۱۷.

عهد است. همان گونه که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱ سوره مائده می‌فرماید:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادهای
 ای خود [وفا کنید].^۱

«عقود جمع عقد است و کلمه‌ای عربی است که در لغت به معنای بستن می‌باشد و در اصطلاح، عبارت است از تعهد یک طرف بر قبول امری که مورد قبول طرف دیگر نیز باشد در قانون مدنی ماده ۱۸۳، عقد را چنین تعریف کرده است: عقد عبارت است از اینکه یکی یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر، تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد».^۲

«عقد عبارت است از الفاظ مشخصه که در هر یک از عناوین خاصه معاملات مثل بیع، صلح، اجاره و... که طرفین عقد با رعایت مقررات و نظاماتی آن را انجام می‌دهند، خواه هر یک از دو طرف عقد یک نفر باشد یا از هر دو طرف متعدّد و یا یک طرف یک نفر و طرف دیگر متعدّد باشد و این اقسام منافاتی بامعنی لغوی آن ندارد بلکه عین آن است، زیرا معنای عقد بستن است».^۳
 تعریف قرارداد:

«قرارداد مرادف با عقد است با این فرق که در بسیاری از موارد، کلمه‌ی عقد فقط در عقود معینه استعمال می‌شود، و حال آنکه قرارداد به کلیه‌ی عقود خواه معینه باشد و یا غیرمعینه که بر طبق ماده ۱۰ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است، گفته می‌شود».^۴

«قرارداد در عرف امروز به معنای عقد به کار می‌رود ولی در قانون مدنی و در بسیاری از موارد مسائل حقوقی، کلمه‌ی عقد در عقود معینه استعمال می‌شود و حال آنکه قرارداد به کلیه‌ی عقود، خواه معینه باشد و یا غیر معینه گفته می‌شود».^۵

۱- همان، ص ۳۹۵.

۲- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۸.

۳- حائری، سید علی، شرح قانون مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴.

۴- امام، سید محمد رضا، بررسی تطبیقی عقود، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۸.

۵- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۱.

«قرارداد در لغت و محاورات عمومی و نیز در اصطلاح خاص حقوقی، یکی است و آن عبارت است از: همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی»^۱.

عقود بی‌نام و غیر معین را قرارداد می‌گویند، و قرارداد نوشته‌ای است که حاکی از تراضی و توافق طرفین می‌باشد و کلیه قراردادها به همین قسم مطرح می‌شود.

تعریف عهد:

«عهد در لغت به معنای پیمان است و یکی از مواردی است که در اسلام، جهاد در آن مشروع و لازم شده و آن در موری است که مسلمان‌ها با عهدشکنان و باکسانی که با شکستن عهد و پیمان خود در برابر اسلام و مسلمین مقاومت می‌کنند و نقشه‌هایی علیه مسلمانان مطرح می‌کنند. در این موارد هم بر اساس آیات قرآن و روایات، بر مسلمانان لازم است که اقدام به جهاد کنند به‌عنوان مثال، خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ: همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند». چنانکه ملاحظه می‌شود عهد در این آیه به معنای پیمان می‌باشد. و نیز در آیه ۹۱ سوره مبارکه نحل آمده است: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ: و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید». همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در این آیه‌ی شریفه نیز «عهد» به معنای پیمان آمده است»^۲.

در آیه ۲۷ سوره بقره، عهد به معنای پیمان می‌باشد و پیمان در این آیه شامل هر معامله و قول و قراری است که انسان با خداوند متعال می‌بندد و همان‌طوری که اجرای عهد و پیمان عادی الزام‌آور می‌باشد، اجرای عهد و پیمان باخدای عز و جل الزام‌آورتر می‌باشد.

آیه ۹۱ سوره نحل هم دلالت بر این دارد که انسان باید به هر عهد و پیمانی که با خدا و رسول خدا و بندگان خدا دارد باید بدان وفا کند و شکستن عهد و قرارداد جایز نیست و از این دو آیه استنباط می‌گردد عقود و عهود و قراردادها

۱- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، ص ۴۱-۴۰.

۲- درس خارج فقه آیت‌الله نوری همدانی کتاب الجهاد تاریخ ۱۳/۰۲/۱۳۸۸، سایت مدرسه فقهات.

الزام آور و لازم الاجراء می‌باشند.

تعریف معامله:

«معامله از باب مفاعله و از ریشه مجرد عمل، به معنی عمل کردن متقابل است و در اصطلاح حقوقی به معنی عمل حقوقی شخص در برابر دیگری است. معامله از حیث دایره‌ی شمول دارای سه معنی خیلی اعم، اعم و اخص است. معامله در معنی خیلی اعم که در فقه در برابر عبادات به کار می‌رود به هر عمل حقوقی غیرعبادی اطلاق می‌شود، خواه آن عمل حقوقی یک‌طرفه باشد یا دو یا چند طرفه.

عبادات اعمالی که برای تحقق آن، نیت قربت یعنی نزدیکی به خدا شرط است و بدون این نیت، آن عمل صحیح نیست. در برابر عبادات معاملات قرار دارند که برای تحقق آن‌ها قصد قربت شرط نیست. معاملات در این معنا شامل هر عمل غیرعبادی اعم از عقد، یا ایقاع نظیر بیع، اجاره و حتی ابراء و طلاق می‌شود.

معامله در معنی اعم، همه اعمال حقوقی دوطرفه و چند طرفه را دربر می‌گیرد و با اصطلاح «عقد و قرارداد» مترادف است. در این معنی معامله در معنی ایقاع به کار نمی‌رود. در معنی اخص، معامله فقط به عقود و قراردادهای مالی اطلاق می‌شود و شامل عقود نظیر نکاح و وقف نمی‌شود، زیرا هر چند این گونه از عقود نیز آثار مالی دارند ولی جنبه‌ی اصلی این عقود، حیثیت معنوی و اجتماعی آن‌ها است و آثار مالی و مادی آن‌ها فرعی می‌باشد»^۱.

«معاملات جمع معامله و آن کلمه‌ای است عربی و مصدر باب مفاعله می‌باشد، و در اصطلاح حقوقی با عقد به معنای مطلق قرارداد فرقی ندارد؛ اما طبق اصطلاح مشهور فقها، که عقد را تنها بر ایجاب و قبول اطلاق می‌کنند، معامله اعم از عقد است؛ زیرا ممکن است معامله به صورت معاطاتی انجام شده باشد.

به‌هرحال معامله به معنای اعم آن «عبارت است از هر عملی که محتاج به قصد قربت نباشد» معامله به این معنای عام در مقابل عبادت است که محتاج به قصد قربت است» و معامله به معنای خاص شامل عقود «مالی و غیرمالی مثل

۱- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادهای و تعهدات، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۰، ش ۱۴، ص ۴۱.

نکاح» و ایقاعات است، ولی معامله به معنای اخص تنها شامل عقد مالی معوض است و شامل عقد نکاح نمی‌شود.^۱

مبحث چهارم: تعریف تعدیل قرارداد

«تعدیل قرارداد ناظر بر فرایندی است که به‌موجب آن با پرهیز از دیدگاه یک‌جانبه‌گرایی خاتمه یا اجرای مطلق قرارداد، زمینه‌ای ایجاد شود تا ضمن رفع ناروایی حاصل از اعمال این دیدگاه، امکان ادامه‌ی رابطه‌ی حقوقی فراهم گردد. این رویکرد، جامع بین اصول و قواعد حقوقی ناظر بر حفظ و رعایت تعهدات قراردادی از یک‌سو و احترام به موازین اخلاقی نظیر رعایت انصاف، رفتار همراه با حسن نیت، منع سوءاستفاده از حق، حرمت استفاده و دارا شدن بلاجهت و... می‌باشد که برحسب مورد و مطابق با مبانی مورداحترام و پذیرفته‌شده در هر نظام حقوقی می‌تواند مورد عمل قرار بگیرد.

تعدیل قرارداد بسته به خاستگاه و مبنای آن به سه دسته تقسیم می‌گردد: گاه طرفین با درج شرطی در ضمن عقد یا توافق بعدی در زمان وقوع حادثه غیرمترقبه و برهم خوردن تعادل قراردادی، نسبت به تعدیل قرارداد، اقدام می‌نمایند که از آن با عنوان «تعدیل قراردادی» یاد می‌شود، و گاه ممکن است که قانون‌گذار به‌موجب مقرره‌ای، اختیار تعدیل قرارداد را تفویض نموده باشد. این نوع تعدیل را «تعدیل قانونی» می‌نامند.

نوع سوم تعدیل که به «تعدیل قضایی» شهرت دارد، زمانی موضوعیت می‌یابد که نه در توافق طرفین به هر یک از اشکال فوق‌الذکر و نه در مقررات قانونی، پیش‌بینی خاصی در خصوص تعیین تکلیف قرارداد در صورت برهم خوردن تعادل و توازن آن وجود نداشته باشد بلکه قاضی این اختیار را داشته باشد که به تعدیل قرارداد و متناسب نمودن مفاد آن با شرایط جدید مبادرت نماید.^۲

۱- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۹.

۲- مزارعی، علی، تئوری عدم پیش‌بینی و تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹.

مبحث پنجم: تئوری عدم پیش‌بینی

تئوری عدم پیش‌بینی نظریه‌ای است که برای تعیین تکلیف قراردادی که تعادل اقتصادی آن بر اثر حوادث غیرمنتظره به هم خورده، تأسیس شده است. «تعدیل قرارداد» یکی از آثار و نتایج اعمال این تئوری به شمار می‌رود. وجود رابطه‌ی تنگاتنگ بین این دو نهاد حقوقی، شناخت کافی از تئوری عدم پیش‌بینی را برای ارائه تصویری شفاف و صحیح از تعدیل قرارداد، ضروری می‌سازد. به همین دلیل در این مبحث نکاتی را پیرامون این نظریه شامل: مفهوم و ماهیت حقوقی، شرایط لازم برای اعمال این تئوری و آثار این تئوری را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: مفهوم و ماهیت حقوقی تئوری عدم پیش‌بینی

«هرگاه اوضاع و احوال حاکم بر عقد که طرفین بر اساس آن، مبادرت به انعقاد عقد نموده‌اند، بعد از انعقاد، به‌طور اساسی تغییر یابد به‌نحوی که اجرای تعهدات قراردادی برای یکی از طرفین، بسیار سخت و پرهزینه گردد، تغییر شرایط حادث شده است»^۱.

«نظریه تغییر اوضاع و احوال، نظریه‌ای است که بر اساس آن، هرگاه به سبب بروز حوادث عام، غیرقابل دفع و غیرقابل اجتناب، تعادل و توازن قراردادی به هم خورده و یا اهداف قرارداد تغییر نموده و در نتیجه اجرای قرارداد مشکل گردد، در صورت امکان، قرارداد توسط قاضی تعدیل و یا حسب مورد یا منحل و یا موجب فسخ می‌گردد»^۲.

در این زمینه طرفین قرارداد با توجه به شرایط موجود در زمان انعقاد قرارداد و در نظر گرفتن مزایا و منافع احتمالی بر آن اساس، اقدام به ایجاد رابطه‌ی حقوقی می‌نمایند، اگرچه حدودی از تغییرات در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فناوری و... مورد انتظار است، اما آنگاه که شرایط، دچار دگرگونی اساسی شود، به‌نحوی که در هنگام عقد

۱- مزارعی، علی، تئوری عدم پیش‌بینی و تعدیل قرارداد، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۸.

۲- صادقی مقدم، محمدحسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۶.

وجود نداشته و مورد توقع و قابل پیش‌بینی نبوده و یکی از طرفین را با وضعیتی سخت و مشقت بار در اجرای تعهدات خود مواجه سازد، زمینه‌ی استناد به این تئوری فراهم شده است.

«این تئوری زاده‌ی بحران‌های اقتصادی عصر ما است. بحرانی که گاه به بی‌اعتباری ارزش پول و گرانی بیش‌ازاندازه کالا یا خدمات مورد تعهد می‌انجامد. حادثه‌ای پیش‌بینی‌نشده که اجرای تعهد را محال نمی‌کند بلکه آن را به‌غایت دشوار می‌سازد و تعادل مطلوب بین دو عوض را بر هم می‌زند»^۱.

در اینجا صحبت ما براین است که قرارداد بر مبنای وضع متعارف مورد توافق قرار گرفته است و متعهد زیان‌دیده اگر می‌توانست شرایط جدید را پیش‌بینی کند، بی‌گمان تن به آن نمی‌داد و شرایطی متناسب با ارزش‌های حادث پیش‌بینی می‌کرد. پس بهتر است بگوییم که اگر زمانی قرارداد بر اثر حوادث پیش‌بینی‌نشده تعادل اقتصادی آن به هم بریزد، و در نتیجه ایجاد یا ادامه‌ی آثار حقوقی به مفهوم اولیه‌ی آن در پرتو قواعد انصاف و حسن نیت، غیرمعقول تلقی گردد، پس این آثار حقوقی می‌بایست با انصاف و حسن نیت تطبیق داده شود.

در قراردادهای اقتصادی طرفین با توجه و در نظر گرفتن اوضاع و احوال و جوانب امر و پیش‌بینی‌های لازم و تشخیص سود و زیان، عقدی را منعقد می‌کنند و با توجه به این حالت‌ها و شرایط اقتصادی است که توازن عقد برقرار می‌گردد و در این زمینه سنجش سود و زیان بر اساس اطلاعاتی صورت می‌پذیرد که هر یک از متعاقدين از اوضاع اقتصادی، قیمت‌ها، هزینه‌ها، قوانین و مقررات حاکم بر عقود، معاملات، صادرات و واردات، سیاست‌های اقتصادی حاکم بر جامعه، در نظر گرفتن خطرات و تهدیدات اوضاع جوّی و سایر امور مؤثر در تعادل اقتصادی قرارداد، کسب می‌نمایند.

«این شرایط، هیچ‌گاه ثابت و بدون تغییر باقی نمی‌مانند و ممکن است مانند هر پدیده‌ای دیگر در اثر علل و عوامل خارجی دستخوش تحوّل و دگرگونی شود. به این ترتیب، منظور از تغییر اوضاع و احوال، دگرگونی شرایطی است که در زمان

۱- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۰.